



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم

پژوهشکده مطالعات اقتصادی و توان رقابتی
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تیرماه ۱۴۰۵

اقتصاد مستعد و سرمایه
وحدت و امنیت ملی





موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

اثرات افزایش قیمت

حامل های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر بیکاری بر تورم

پژوهشکده مطالعات اقتصادی و توان رقابتی؛

تهیه کنندگان: دکتر حسن ولی بیگی، دکتر زورار پرمه

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۵

مدیر و طراح گرافیک: مهدی کشاورز افشار



www.itsr.ir





فهرست مطالب

۵	الف- روند تورم طی سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵
۶	ب- روند افزایش قیمت حامل های انرژی (گاز و برق) و دستمزد و هزینه حمل و نقل
۸	ج- مقایسه قیمت برق و گاز با برخی کشورهای منتخب
۹	د- اثر افزایش قیمت حامل های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم
۱۰	شوگ قیمتی برق
۱۰	شوگ قیمتی گاز
۱۱	افزایش دستمزد: تورمی ترین عامل، تهدیدکننده اشتغال و بهره وری
۱۱	افزایش هزینه حمل و نقل: اختلال در زنجیره تأمین
۱۲	ه) پیشنهادات
۱۲	۱. محوریت تولید به عنوان راهبرد اصلی مهار تورم
۱۲	۲. طراحی بسته حمایتی تولید متناسب با شرایط تورمی
۱۳	۳. اولویت راهبردی تأمین سرمایه در گردش بنگاه ها
۱۳	۴. مهار ماندگاری تورم برای جلوگیری از تضعیف تولید
۱۳	۵. اجتناب از سیاست های مالیاتی ضدتولید در شرایط رکود تورمی
۱۴	۶. جلوگیری از چرخه معیوب کاهش مصرف و کاهش تولید



گزارش حاضر کوشیده است تا با تکیه بر شواهد آماری، روندهای قیمتی و منطق اقتصاد کلان، تصویری منسجم از برهم‌کنش سه متغیر تعیین‌کننده تورم مزمن، جهش هزینه نهاده‌های تولید و تضعیف تدریجی توان رقابتی بخش مولد در اقتصاد ایران ارائه دهد. در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵، اقتصاد کشور نه تنها با استمرار سطوح بالای تورم مواجه بوده، بلکه همزمان از ناحیه افزایش پرشتاب قیمت حامل‌های انرژی، رشد دستمزدها، تشدید هزینه‌های حمل‌ونقل و اثرات سرریز نوسانات ارزی نیز تحت فشار قرار گرفته است؛ وضعیتی که در ادبیات اقتصادی از آن به عنوان تشدید «تورم فشار هزینه» در بستر یک ساختار تورمی پایدار یاد می‌شود.

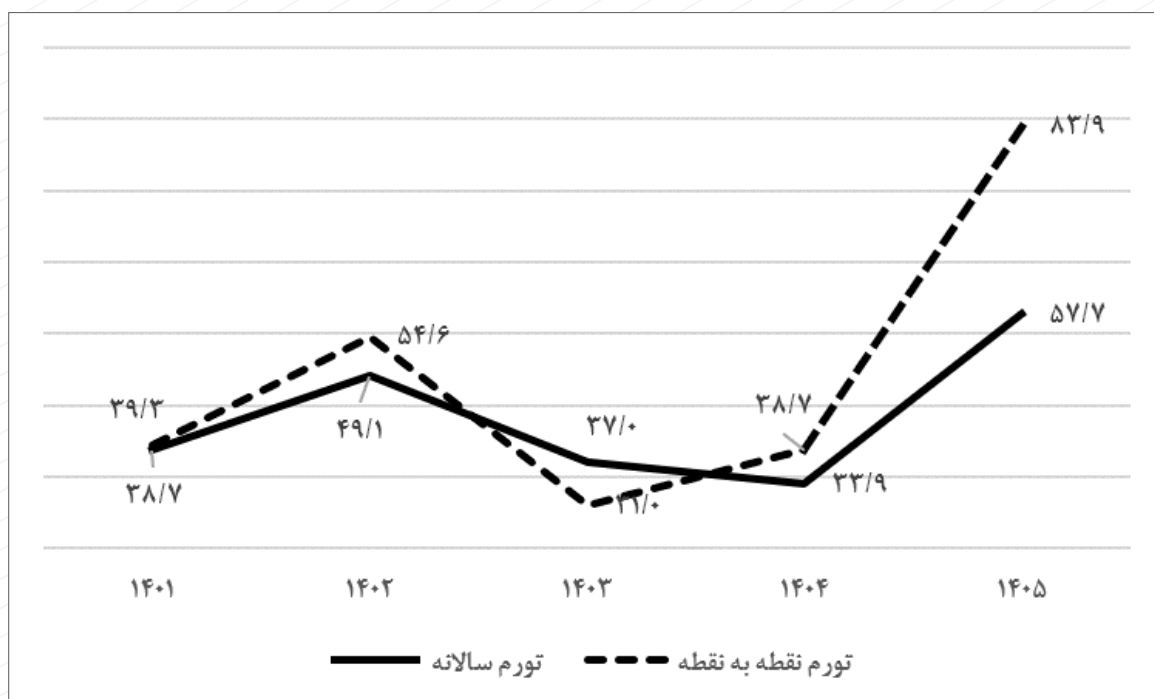
الف- روند تورم طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵

مطابق نمودار (۱)، نرخ تورم سالانه (تورم دوازده‌ماهه نسبت به مدت مشابه سال قبل) از ۳۸.۷ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ با فراز و نشیب‌هایی به ۵۷.۷ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ رسید. بیشترین شیب افزایش نیز مربوط به سال ۱۴۰۵ است که حاکی از بازگشت فشارهای تورمی عمدتاً به دلیل افزایش نرخ ارز و سایر نهاده‌های تولید شکل گرفته است. در خصوص تورم نقطه به نقطه (تورم ماه‌مورد نظر نسبت به ماه مشابه سال قبل) که به عنوان شاخص پیشرو برای نرخ تورم سالانه تلقی می‌شود، نشان می‌دهد که این شاخص از ۳۹.۳ درصد در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۱، پس از کاهش به ۳۱ درصد در سال ۱۴۰۳، مجدداً با جهشی قابل توجه به ۸۳.۹ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ رسیده است. این جهش شدید، هشدار جدی در خصوص افزایش شتاب رشد قیمت‌ها در قالب افزایش بیشتر تورم سالانه در ماه‌های آتی است. به طور کلی، اقتصاد ایران در سال‌های ۱۴۰۵-۱۴۰۱ با تورم

اثرات افزایش قیمت

حامل های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم

ساختاری و مزمن مواجه بوده است؛ به گونه ای که هرگونه افزایش در هزینه های تولید از جمله انرژی (برق و گاز)، دستمزد، مواد اولیه بویژه وارداتی متأثر از افزایش نرخ ارز، هزینه های حمل و نقل و خدمات بندری می تواند به سرعت به افزایش قیمت کالاها و خدمات و در نهایت تشدید تورم منجر شود. از این رو، کنترل و تجدید نظر در افزایش هزینه های خدمات دولتی (نظیر گاز، برق، خدمات بندری و ...) همراه با اتخاذ سیاست های حمایتی، از الزامات اساسی مهار تورم و ایجاد ثبات در فضای کسب و کار و تولید کشور محسوب می شود.



نمودار ۱. روند تورم سالانه و نقطه به نقطه در دوره ۱۴۰۱-۱۴۰۵

ب- روند افزایش قیمت حامل های انرژی (گاز و برق) و دستمزد و هزینه حمل و نقل

مطابق اطلاعات جدول (۱)، قیمت برق از ۲,۳۷۹ ریال به ازای هر کیلووات ساعت در سال ۱۴۰۱ به ۱۴,۴۲۰ ریال در سال ۱۴۰۵ افزایش یافته که نشان دهنده رشد حدود ۵۰۶ درصدی (نزدیک به ۶ برابر) این حامل انرژی است. همچنین متوسط قیمت گاز طبیعی از ۱۱,۲۵۰ ریال به ازای هر مترمکعب از سال ۱۴۰۱ به ۵۸,۳۵۸ ریال در سال ۱۴۰۵ رسیده که معادل رشد حدود ۳۱۸ درصدی است. این میزان افزایش در هزینه های انرژی، به ویژه برای صنایع انرژی بر، تأثیر مستقیمی بر بهای تمام شده محصولات خواهد داشت. برق و گاز از نهاده های اصلی تولید در بسیاری از صنایع از جمله فولاد، سیمان، پتروشیمی، کاشی و سرامیک، صنایع معدنی، شیمیایی و غذایی محسوب می شوند و افزایش قیمت آن ها می تواند به افزایش هزینه تولید و در نهایت رشد قیمت محصولات این بخش ها منجر شود.



اثرات افزایش قیمت

حامل های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم

جدول ۱. روند رشد قیمت برق و گاز طبیعی اعلامی در دوره ۱۴۰۱-۱۴۰۵

آیتم هزینه	واحد	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	درصد افزایش دوسال آخر
قیمت برق	ریال بر کیلو وات	۲,۳۷۹	۵,۳۳۰	۷,۹۰۰	۹,۹۸۰	۱۴,۴۲۰	۴۴
قیمت گاز	ریال بر مترمکعب	۱۱,۲۵۰	۱۶,۲۵۰	۱۵,۵۴۴	۴۲,۳۸۵	۵۸,۳۵۸	۳۸

توضیح اینکه در جدول (۱) تعرفه اعلامی برق و گاز وزارت نیرو آمده است، این در حالی است که هزینه برق واحدهای صنعتی در صنایع مختلف به طور متوسط در بازه ۲ تا ۴ برابر (نسبت تعرفه اعمالی به تعرفه اعلامی) متغیر بوده است. همچنین در خصوص گاز، تعرفه اعمالی واحدها در سال های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، ۴۰ درصد بالاتر از اعلامی و در سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ حدود ۲۵ درصد بالاتر بوده است که فشار مضاعفی را به هزینه های تولید کالاها و خدمات وارد می کند. یکی از اقلام مهم و تاثیرگذار بر قیمت تمام شده کالا، هزینه های دستمزد و حمل و نقل است. مطابق جدول زیر، هزینه حمل و نقل کالای طی سال های اخیر با افزایش قابل توجهی مواجه بوده است؛ به گونه ای که نرخ حمل و نقل از ۴,۲۳۳ ریال به ازای هر تن-کیلومتر در سال ۱۴۰۱ به ۱۶,۶۸۰ ریال در سال ۱۴۰۵ افزایش یافته که رشد حدود ۲۹۴ درصدی را نشان می دهد. همچنین نرخ رشد سالانه این هزینه ها در سال های مختلف بین ۳۰ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده که بیانگر تداوم روند افزایشی هزینه های لجستیکی در اقتصاد کشور است. دستمزد به عنوان یکی دیگر از اقلام هزینه ای بنگاه ها، نقش بسزایی در قیمت تمام شده بنگاه و همچنین حفظ و نگه داشت نیروی کار دارد. طبق اطلاعات جدول زیر دستمزدها طی سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ از ۲۱ درصد تا ۴۵ درصد در هر سال افزایش داشته است.

جدول ۲. روند رشد نرخ دستمزد و هزینه حمل و نقل در دوره ۱۴۰۱-۱۴۰۵

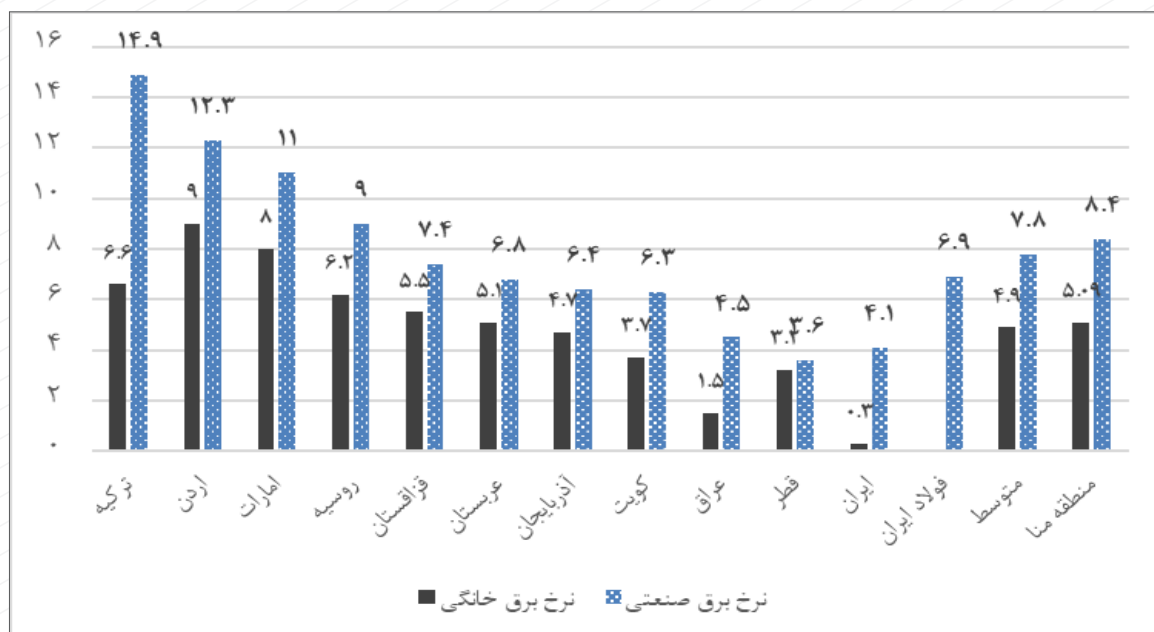
آیتم هزینه	واحد	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	درصد افزایش دوسال آخر
دستمزدها	رشد	۳۸	۲۱	۲۲	۳۲	۴۵	۴۵
حمل و نقل	ریال - کیلومتر تن	۴,۲۳۳	۵,۵۰۰	۷,۱۵۰	۱۱,۰۴۰	۱۶,۶۸۰	۵۱

از منظر اقتصاد کلان، افزایش هزینه حمل و نقل در کنار رشد هزینه های انرژی و دستمزد، یکی از عوامل شکل دهنده تورم فشار هزینه است. بدین معنا که تولیدکنندگان برای جبران افزایش هزینه های عملیاتی، ناچار به تعدیل قیمت محصولات خود خواهند بود که این امر در نهایت به افزایش سطح عمومی قیمت ها

و تشدید فشارهای تورمی در اقتصاد منجر می‌شود. بنابراین، همزمانی افزایش هزینه‌های انرژی، دستمزد و حمل و نقل می‌تواند آثار مضاعفی بر هزینه تولید داشته باشد و در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های جبرانی و حمایتی، روند افزایش قیمت کالاها و خدمات را در بخش‌های مختلف اقتصادی تسریع کند.

ج- مقایسه قیمت برق و گاز با برخی کشورهای منتخب

تحلیل قیمت برق نشان‌دهنده یک عدم توازن ساختاری و فشار مضاعف بر بخش مولد ایران در مقایسه با کشورهای منطقه است؛ به‌طوری‌که برخلاف الگوی جهانی و منطقه‌ای که نسبت قیمت برق صنعتی به خانگی به‌طور متوسط ۱.۶۵ برابر است، این شاخص در ایران به رقم بی‌سابقه ۱۴ برابر رسیده است. این شکاف عمیق ناشی از قیمت بسیار ناچیز برق خانگی (۰.۳ سنت) در مقابل نرخ صنعتی (۴۰.۱ سنت) است که نشان می‌دهد بار اصلی حمایت‌های یارانه‌ای بخش خانگی بر دوش صنعت گذاشته شده است. نکته کلیدی اینجاست که قیمت برق در صنعت فولاد ایران با نرخ ۶.۹ سنت، در حال نزدیک شدن به میانگین قیمت صنعتی منطقه (۷.۸ سنت) است و با لحاظ هزینه‌های پنهان ناشی از ناترازی انرژی و قطعی‌های مکرر، عملاً مزیت انرژی ارزان برای این صنعت از بین رفته است؛ وضعیتی که با تضعیف توان رقابتی صنایع صادرات‌محور، جایگاه ایران را در نقشه اقتصادی منطقه «منا» به چالش می‌کشد.



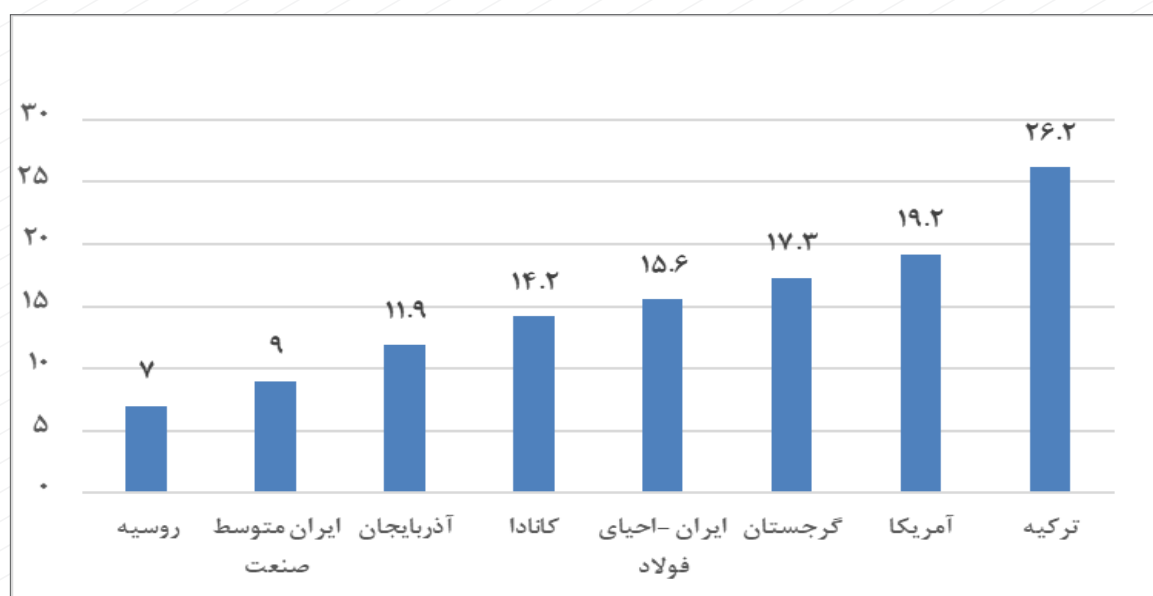
نمودار ۲. متوسط قیمت اعمالی برق در ایران و برخی از کشورهای منطقه (سنت بر کیلووات ساعت). متوسط ۲۰۲۳-۲۰۲۵



اثرات افزایش قیمت

حامل‌های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم

بر اساس داده‌های نمودار زیر، مزیت رقابتی ایران در دسترسی به گاز ارزان قیمت برای بخش صنعت، به‌ویژه در احیای فولاد، به‌طور محسوس‌تری تضعیف شده است. نرخ گاز مصرفی این بخش در ایران (۱۵.۶ سنت بر مترمکعب) بیش از دو برابر روسیه (۷ سنت) و بالاتر از کشورهایمانند آذربایجان (۱۱.۹ سنت) و کانادا (۱۴.۲ سنت) قرار دارد و به سطح قیمت در آمریکا (۱۹.۲ سنت) نزدیک شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که صنایع انرژی‌بر ایران، علی‌رغم برخورداری کشور از منابع عظیم گازی، با هزینه‌های بالاتری نسبت به رقبای اصلی مواجه‌اند؛ امری که با افزایش بهای تمام‌شده تولید، سودآوری و رقابت‌پذیری زنجیره فولاد ایران در بازارهای جهانی را به‌طور جدی تضعیف می‌کند.



نمودار ۳. مقایسه قیمت گاز طبیعی در برخی از کشورهای منتخب و ایران در بخش صنعتی (سنت بر مترمکعب)

د- اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم

جدول زیر اثر شوک قیمتی چهار نهاد تولید (برق، گاز، دستمزد و حمل و نقل) را بر تورم (اثرات مستقیم) نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، انتظار می‌رود بر اثر افزایش قیمت برق، گاز، دستمزد و حمل و نقل، تورم در کشور در سال ۱۴۰۵ در مجموع بیش از ۱۷ واحد درصد افزایش پیدا کند که حاصل سیاست‌گذاری دولت در بخش ارائه خدمات به واحدهای تولیدی می‌باشد (توضیح اینکه، شوک برق و گاز بر اساس تعرفه اعمالی درج شده است).

جدول ۳. شوک به برق، گاز طبیعی (بر اساس تعرفه اعمالی)، دستمزد و هزینه حمل و نقل و آثار تورمی آنها

عامل	افزایش قیمت در سال ۱۴۰۵ نسبت به ۱۴۰۴	افزایش تورم	اثر بر توان رقابتی صنعت
برق	۴۴	۲٫۱	اختلال در تداوم تولید و افزایش ریسک برنامه ریزی
گاز	۴۰	۲	افزایش هزینه خوراک صنایع پایه و کاهش رقابت صادراتی
دستمزد	۴۵	۷٫۲	خروج بنگاه ها از بازار رقابت و تعطیلی بنگاه های با تاب آوری پایین
حمل و نقل	۵۱	۶٫۰	غیراقتصادی شدن صادرات کالاهای کم ارزش افزوده و پر حجم و سنگین
جمع		۱۷٫۳	-

شوک قیمتی برق:

افزایش ۴۴ درصدی قیمت برق، تورم را ۲۰۱ واحد درصد افزایش می دهد که در مقایسه با سایر نهاده های مورد بررسی کمترین اثر را دارد. برق به عنوان زیرساخت اصلی تولید در تمامی صنایع (از فلزات اساسی تا صنایع غذایی و هایتک) نقشی حیاتی ایفا می کند. افزایش قیمت آن، اگرچه کشش تورمی پایینی دارد، اما به دلیل وابستگی همه جانبه صنعت به برق، هرگونه نوسانی در آن (افزایش در قیمت آن و یا ایجاد محدودیت)، ثبات تولید را مختل کرده و برنامه ریزی هزینه را برای بنگاه ها دشوار می سازد. این امر به ویژه برای صنایع انرژی بر که حاشیه سود اندکی دارند، تهدیدی جدی برای تداوم فعالیت و رقابت پذیری به شمار می رود.

شوک قیمتی گاز:

اگرچه افزایش ۳۸ درصدی قیمت گاز، تورم را به میزان ۲ واحد درصد افزایش می دهد و از حیث شدت تورم نهایی در رتبه ای پس از برق قرار می گیرد، اما این نکته ظریف اقتصادی حائز اهمیت است که کشش تورمی گاز به مراتب بیشتر از برق است. به بیان دیگر، به ازای هر یک درصد افزایش قیمت، گاز حدود ۰۰۵۰ واحد درصد و برق ۰۰۴۸ واحد درصد به تورم می افزاید. بنابراین، آنچه در اینجا باعث شده اثر تورمی نهایی گاز کمتر از برق جلوه کند، شدت شوک قیمتی پایین تر آن (۳۸٪ در برابر ۴۴٪) است، نه ذات کم تورم تر آن. از منظر توان رقابتی صنعت، گاز نه تنها یک حامل انرژی، بلکه خوراک اصلی پتروشیمی، فولاد، سیمان و بسیاری از صنایع پایه است. افزایش قیمت آن مستقیماً زنجیره تولید این صنایع را مختل می کند و هزینه تمام شده محصولات صادرات محور را چنان افزایش می دهد که توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی (که اغلب از یارانه های انرژی برخوردارند) به شدت کاهش می یابد. در نتیجه، صنعت ایران در بازارهای منطقه ای و جهانی موقعیت رقابتی خود را از دست می دهد.



افزایش دستمزد: تورمی‌ترین عامل، تهدیدکننده اشتغال و بهره‌وری

افزایش ۴۵ درصدی دستمزد، نرخ تورم را به میزان ۷.۲ واحد درصد افزایش می‌دهد. این اثرگذاری قابل توجه ریشه در نفوذ گسترده دستمزد در تمام حلقه‌های زنجیره ارزش دارد؛ از استخراج مواد اولیه تا تولید کالاهای واسطه‌ای و نهایی و همچنین ارائه خدمات. افزون بر این، دستمزد مستقیماً بر هزینه‌های معیشت خانوار تأثیر می‌گذارد و از کانال افزایش تقاضای کل به تشدید فشارهای تورمی دامن می‌زند. اما چالش اصلی برای صنعت فراتر از تورم است: افزایش شدید دستمزد بدون افزایش متناظر بهره‌وری، باعث می‌شود هزینه نیروی کار به ازای هر واحد تولید در ایران به سرعت افزایش یابد. این امر بنگاه‌ها را به سمت کاهش نیروی کار، جایگزینی سرمایه به جای آن (اتوماسیون) یا حتی تعطیلی سوق می‌دهد. در نتیجه، نه تنها اشتغال کاهش می‌یابد، بلکه توان رقابت قیمتی محصولات ایرانی در برابر کالاهای خارجی، به شدت تحلیل می‌رود. اگرچه افزایش دستمزد برای تأمین معیشت کارگران و حفظ قدرت خرید آنها ضرورتی انکارناپذیر دارد، اما در میان نهادهای تولید، پرتورم‌ترین و چالش‌آفرین‌ترین عامل برای صنعت محسوب می‌شود. از این رو، هرگونه افزایش دستمزد باید با تمهیداتی نظیر رشد تولید، ارتقاء بهره‌وری نیروی کار، کنترل نقدینگی و حمایت‌های هدفمند قیمتی همراه گردد تا از بروز تورم و کاهش رقابت‌پذیری جلوگیری شود.

افزایش هزینه حمل و نقل: اختلال در زنجیره تأمین

افزایش ۵۱ درصدی هزینه‌های حمل و نقل، نرخ تورم را به میزان ۶.۰ واحد درصد افزایش می‌دهد. حمل و نقل به عنوان یک نهاده واسطه‌ای فراگیر، نقش کلیدی در زنجیره تأمین ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که تقریباً همه کالاهای، از مواد خام اولیه تا محصولات نهایی، دست‌کم یک بار جابه‌جا می‌شوند. در نتیجه، افزایش هزینه حمل و نقل به طور مستقیم قیمت تمام‌شده کالاهای را در تمام بخش‌های اقتصادی افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه حمل و نقل ریلی (به دلیل صرفه‌جویی در مصرف سوخت و هزینه نگهداری) و بهینه‌سازی ناوگان جاده‌ای (از طریق نوسازی، مدیریت مسیر و کاهش مصرف انرژی) از مؤثرترین ابزارها برای مهار اثرات تورمی و رقابتی ناشی از شوک‌های هزینه‌ای در بخش حمل و نقل محسوب می‌شود، اما این راهکارها نیازمند زمان و سرمایه‌گذاری کلان است و در کوتاه‌مدت، صنعت با افت شدید رقابت‌پذیری مواجه خواهد شد.

در مجموع، اتخاذ سیاست‌های مذکور که منجر به افزایش تورم بیش از ۱۷ واحد درصد شده است، کاهش قدرت خرید خانوارها و افت مصرف مؤثر را در پی داشته و می‌تواند به کاهش تقاضا برای کالاهای و خدمات منجر شود. این وضعیت به نوبه خود کاهش تولید و افت فعالیت بنگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت. در چنین شرایطی، زمانی که بنگاه‌ها ناچار شوند با ظرفیتی کمتر از سطح اقتصادی فعالیت کنند، هزینه‌های

ثابت سرانه تولید افزایش می‌یابد و بنگاه‌ها برای جبران این هزینه‌ها ناگزیر دوباره به افزایش قیمت‌ها روی می‌آورند. در نتیجه، چرخه‌ای معیوب شکل می‌گیرد که در آن کاهش قدرت خرید به کاهش تقاضا، کاهش تقاضا به افت تولید و تضعیف ظرفیت‌های تولیدی منجر می‌شود و این روند خود زمینه‌ساز تشدید مجدد فشارهای قیمتی خواهد بود.

۵) پیشنهادات

۱. محوریت تولید به عنوان راهبرد اصلی مهار تورم

مهار پایدار تورم بدون تقویت سمت عرضه و افزایش ظرفیت تولید ملی امکان‌پذیر نیست. در اقتصادی که با تورم مزمن مواجه است، افزایش تولید و تقویت بنگاه‌های مولد مهم‌ترین ابزار برای کاهش فشارهای قیمتی و ایجاد تعادل در بازارها محسوب می‌شود. بر این اساس، سیاست‌گذاری اقتصادی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که **محوریت و اصل تولید داخلی در مرکز سیاست‌های پولی، مالی و ارزی قرار گیرد**. تحقق این هدف مستلزم آن است که در بودجه‌های سنواتی اولویت به سیاست‌های تقویت تولید داده شود، منابع و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد هدایت گردد و از تخصیص منابع به فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه جلوگیری شود. همچنین کاهش هزینه‌های مبادله از طریق ساده‌سازی مقررات، حذف مجوزهای زائد و کاهش بروکراسی اداری و ایجاد ثبات در محیط کسب‌وکار از طریق پرهیز از تغییرات ناگهانی در سیاست‌های ارزی، تجاری و قیمت‌گذاری از الزامات اساسی این رویکرد به شمار می‌آید.

۲. طراحی بسته حمایتی تولید متناسب با شرایط تورمی

در شرایط تورمی، سیاست‌های حمایتی از تولید باید متناسب با افزایش هزینه‌های تولید طراحی شوند و تمرکز آنها بر حفظ پایداری فعالیت بنگاه‌ها باشد. در چنین شرایطی صرف افزایش تسهیلات اسمی نمی‌تواند به‌تنهایی مشکلات تولیدکنندگان را حل کند، بلکه لازم است سیاست‌های حمایتی به‌گونه‌ای تنظیم شوند که آثار تورم بر هزینه‌های تولید را جبران کنند. در این چارچوب، اعطای تسهیلات سرمایه در گردش متناسب با شرایط تورمی، ارائه حمایت‌های هدفمند در حوزه انرژی و مواد اولیه برای صنایع پیشران، اصلاح نظام قیمت‌گذاری دستوری به‌گونه‌ای که حاشیه سود تولیدکنندگان حفظ شود، ایجاد سازوکارهای بیمه‌ای برای پوشش ریسک نوسانات ارزی در تأمین مواد اولیه و تسهیل واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای موردنیاز تولید از جمله اقدامات ضروری به شمار می‌رود.



۳. اولویت راهبردی تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها

در اقتصادهای تورمی، افزایش مداوم قیمت نهاده‌های تولید موجب افزایش قابل توجه نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش می‌شود. در چنین شرایطی اگر منابع مالی لازم برای تأمین سرمایه در گردش فراهم نشود، حتی بنگاه‌هایی که از نظر تولید و بازار در وضعیت مناسبی قرار دارند نیز ممکن است با کاهش تولید یا توقف فعالیت مواجه شوند. از این رو تأمین سرمایه در گردش باید به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست حمایتی از تولید در نظر گرفته شود. در این راستا ایجاد خطوط اعتباری ویژه برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی، توسعه ابزارهای مالی مانند فکتورینگ، تنزیل اسناد و اعتبار اسنادی داخلی، تنظیم دوره‌های بازپرداخت تسهیلات متناسب با چرخه تولید در صنایع مختلف، هدایت بخشی از منابع صندوق توسعه ملی به تأمین سرمایه در گردش تولید و همچنین نظارت مؤثر بر تخصیص تسهیلات به منظور جلوگیری از انحراف منابع به بازارهای دارایی از جمله اقدامات ضروری محسوب می‌شود.

۴. مهار ماندگاری تورم برای جلوگیری از تضعیف تولید

تورم مزمن و ماندگار آثار مخربی بر بخش تولید برجای می‌گذارد، زیرا موجب بی‌ثباتی در محیط اقتصادی، کاهش قابلیت پیش‌بینی برای فعالان اقتصادی، فرسایش سرمایه و کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌شود. در چنین شرایطی بنگاه‌ها قادر به برنامه‌ریزی پایدار برای توسعه تولید و سرمایه‌گذاری نخواهند بود و ظرفیت تولیدی اقتصاد به تدریج تضعیف می‌شود. بنابراین کنترل و کاهش ماندگاری تورم یکی از پیش‌شرط‌های اساسی تقویت تولید است. دستیابی به این هدف مستلزم تقویت انضباط مالی دولت و کاهش کسری بودجه‌های ساختاری، کنترل رشد پایه پولی و مدیریت نقدینگی، تقویت استقلال و کارایی سیاست‌گذاری پولی، ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز و استفاده از ابزارهای تأمین مالی غیرتورمی مانند انتشار اوراق بدهی به جای تأمین مالی تورمی است.

۵. اجتناب از سیاست‌های مالیاتی ضدتولید در شرایط رکود تورمی

در شرایط رکود تورمی، بنگاه‌های تولیدی همزمان با افزایش هزینه‌ها و کاهش تقاضای مؤثر مواجه هستند. در چنین شرایطی افزایش فشار مالیاتی (افزایش نرخ مالیاتی از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد) بر بخش تولید می‌تواند به کاهش بیشتر تولید، افزایش قیمت‌ها و تعمیق رکود اقتصادی منجر شود. بنابراین سیاست‌های مالیاتی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از فعالیت‌های مولد حمایت کرده و مانع از تضعیف آنها شوند. در این راستا تمديد بند «ک» تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مبنی بر کاهش ۵ واحد درصدی مالیات (اشخاص حقوقی دارای پروانه بهره‌برداری از وزارتخانه‌های ذی‌ربط در فعالیت‌های تولیدی) برای سال ۱۴۰۵، تعویق یا تقسیط

مالیات بنگاه‌های تولیدی آسیب‌دیده، اعطای معافیت یا تخفیف مالیاتی مشروط به حفظ اشتغال و استمرار تولید، انتقال بار مالیاتی از بخش تولید به فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه و اصلاح نظام مالیات بر ارزش افزوده به منظور کاهش فشار نقدینگی بر تولیدکنندگان از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود شرایط تولید کمک کند.

۶. جلوگیری از چرخه معیوب کاهش مصرف و کاهش تولید

برای جلوگیری از شکل‌گیری و تداوم چرخه معیوب تورم-کاهش قدرت خرید-کاهش تولید-تورم، لازم است سیاست‌هایی برای تقویت تقاضای مؤثر در اقتصاد اتخاذ شود. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تقویت قدرت خرید دهک‌های هدف از طریق حمایت‌های هدفمند، اجرای برنامه‌هایی برای تحریک تقاضا برای کالاهای داخلی مانند کارت‌های اعتباری خرید کالای ایرانی، توسعه صادرات برای جبران کاهش تقاضای داخلی و حمایت از تولید در مقیاس اقتصادی به منظور جلوگیری از افزایش هزینه‌های تولید اشاره کرد.



مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

پژوهشکده مطالعات اقتصادی و توان رقابتی

تهیه کنندگان:

دکتر حسن ولی بیگی، دکتر زورار پرمه

تاریخ انتشار:

تیر ماه ۱۴۰۵



www.itsr.ir

اداره توانمندسازی مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

مدیر و طراح گرافیک:

مهدی کشاورز افشار

نسخه اول:

۱۴۰۵/۰۴/۳۰



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی (برق و گاز)، دستمزد و حمل و نقل بر تورم



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

WWW.ITSR.IR

آدرس: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نبش کوچه همدان، پلاک ۱۲۰۴

تلفن: ۸۰-۶۶۴۲۳۳۷۸ نمابر: ۶۶۹۲۹۶۳۴

info@itsr.ir



www.itsr.ir